



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

تاریخ گزنوفون و کوروش بزرگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۱ مهر ۱۳۹۲ ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

گزنوفون گزنوفون: «پژوهش کردیم تا بدانیم کوروش از چه نوع آموزش و پرورشی بهره جسته است که توانسته این گونه در فرمانروایی بر انسان‌ها سرآمد همگان باشد.» گزنوفون در سال ۴۴۵ پیش از میلاد در دهکده‌ی کوچکی در نزدیکی آتن چشم به جهان گشود و نزد سقراط آموزش دید. در جوانی از مزدوران سپاه کوروش کوچک شد تا وی را در جنگ با برادرش اردشیر درازدست یاری رساند. جنگ میان دو برادر با کشته شدن کوروش کوچک به پایان رسید و گزنوفون و دیگر مزدوران یونانی آواره شدند. گزنوفون گزارش این جنگ و بازگشت مزدوران یونانی به سرزمین



گزنوفون

گزنوفون: «پژوهش کردیم تا بدانیم کوروش از چه نوع آموزش و پرورشی بهره جسته است که توانسته این گونه در فرمانروایی بر انسان‌ها سرآمد همگان باشد.»

گزنوفون در سال 445 پیش از میلاد در دهکده‌ی کوچکی در نزدیکی آتن چشم به جهان گشود و نزد سقراط آموزش دید.

در جوانی از مزدوران سپاه کوروش کوچک شد تا وی را در جنگ با برادرش اردشیر درازدست یاری رساند. جنگ میان دو برادر با کشته شدن کوروش کوچک به پایان رسید و گزنوفون و دیگر مزدوران یونانی آواره شدند. گزنوفون گزارش این جنگ و بازگشت مزدوران یونانی به سرزمین خودشان را در کتاب بازگشت ده هزار نفر به شیوایی آورده است. رهاورد دیگر گزنوفون از سفرش به شرق جهان باستان، آشنایی با شیوه‌ی فرمانروایی کوروش بزرگ، بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشیان، بود که به صورت کتاب کوروش‌نامه به یادگار مانده است.

...

هنگامی که گزنوفون به میهن خود بازگشت، سقراط جام شوکران را نوشیده بود و هرج و مرج بر آتن سایه افکنده بود. بیم آن می‌رفت که جنگ‌های داخلی نیز میان شهرهای یونانی درگیرد. هر یک از اندیشمندان یونانی در پی راهکاری برای بهبود زندگی مردم بودند. افلاطون شهری آرمانی را معرفی کرد که در آن‌جا به کسی ستم نمی‌شود، زیرا اندیشمندان پاک‌نهاد به اداره‌ی شهر می‌پردازند. ارسطو گفت اگر فرمانروایان با علم سیاست آشنا باشند و کشور را بر

پایه‌ی منطق اداره کنند، می‌توانند چنان شهری را پدید آورند. گزنوفون با نگارش کتاب کوروش‌نامه می‌خواست به مردم آتن بگوید چنین فرمانروایی در جهان وجود داشته است و آن‌ها باید بکوشند چنین انسانی پرورش دهند.

گزنوفون در مقدمه‌ی این کتاب می‌گوید که روزگاری گمان می‌کرد برای انسان بسیار آسان‌تر است که بر جانوران فرمانروایی داشته باشد تا بر انسان‌های دیگر. مگر نه این‌که گله‌ها به همان جایی می‌روند که شبانان راهنمایی‌شان می‌کنند و هرگز از راهنمایی فرمانروایان خود، یعنی شبانان، سرپیچی نمی‌کنند. گزنوفون می‌گوید: «اما هنگامی که دیدم چگونه کوروش، پادشاه ایران، بر شمار بسیاری از آدمیان حکومت کرد و شهرهای بسیار و قوم‌های گوناگون را به زیر فرمان خود درآورد، از عقیده‌ی نخست خود بازگشتم و ناچار به اعتراف شدم که نه تنها حکومت بر مردم کاری غیرممکن نیست، بلکه دشوار نیز نخواهد بود، مشروط بر این‌که حکومت‌کننده با تدبیر و با کیاست باشد.»

گزنوفون کوروش بزرگ را ندیده بود، زیرا سال‌ها از مرگ آن فرمانروای نیک‌نام می‌گذشت، اما وصف او را از مردمی که به روزگار کوروش زیسته بودند، شنیده بود. خودش می‌گوید: «در قلمرو کوروش ملت‌ها و قوم‌های بسیار همه طوع طاعتش را بر گردن نهادند و با آن‌که از یک‌دیگر روزها، بلکه ماه‌ها فاصله داشتند و گروهی هرگز او را به چشم خود ندیده بودند و برخی اطمینان داشتند که هرگز او را نخواهند دید، اما همگی یکدل و یک جهت می‌کوشیدند در زیر رایت سلطنتش درآیند و فرمان‌هایش را تمکین کنند.» از این رو گزنوفون زندگی‌نامه‌ی کوروش را از تولد تا مرگ به صورت کتابی خواندنی نوشت تا مردم یونان با خواندنش از رفتار آن فرمانروای نیک‌کردار درس بگیرند.

یوزف ویسهوفر، تاریخ‌پژوه آلمانی، در کتاب ایران باستان اشاره می‌کند که کوروش بزرگ نه تنها در فنون جنگی و مهارت‌های سیاسی سرآمد بود، بلکه در دوستی، آزادی‌خواهی، نرمش و مدارا و مهربانی نسبت به دشمنان خود نیز بی‌همتا بود. او در کنار منابع دیگر، از کتاب کوروش‌نامه به عنوان یکی از منابع مناسب برای شناخت کوروش نام می‌برد و یادآور می‌شود که: «این کتاب تا قرن هیجدهم میلادی پخواننده‌ترین کتاب همه‌ی اعصار بود و در ادبیات و هنر اروپا بیش از همه به توصیف گزنوفون از شاه ایران مراجعه و استناد می‌شد.»

بخش بزرگی از کتاب کوروش‌نامه به گزارش لشکرکشی‌های کوروش بزرگ، شیوه‌های جنگی وی و رفتارشان با سپاهیان خود و قوم‌های شکست‌خورده اختصاص دارد. اما از آن‌جا که نویسنده‌ی این کتاب یکی از شاگردان سقراط بوده، جای‌جای آن را با آموزه‌های اخلاقی درآمیخته است. گزنوفون در این کتاب به معرفی فرمانروایی بزرگ پرداخته است که از یک سو از هوش بسیار برخوردار بود و از همه‌ی نبردها پیروز می‌آمد و از سوی دیگر، انسانی اخلاق‌مدار بود که نیکی به دیگران برایش از همه‌ی شادی‌های عالم لذت‌بخش‌تر بود. به راستی چنین کتابی نباید پخواننده‌ترین کتاب همه‌ی اعصار باشد؟

برای آگاهی بیشتر: 1. گزنوفون. کوروش‌نامه. ترجمه‌ی رضا مشایخی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1386. 2. ویسهوفر. یوزف. ایران باستان (از 550 پیش از میلاد تا 650 پس از میلاد) ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس، 1377

برگرفته شده از جزیره دانش

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تاریخ گزنوفون و کورش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1275/pdf/گزنوفون-و-کورش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹